

جایگاه حق قسم در تحکیم کیان خانواده^۱

کبری پور عبدالله^۲

صدیقه محمدحسینی^۳

چکیده

نهاد قسم یک راهبرد شرعی برای تحکیم روابط زوجین و پیشگیری از انحلال نهاد خانواده است؛ زیرا این حق با هدف تحقق حکمت‌های ویژه‌ای چون استیناس، عدالت، حسن معاشرت و آرامش زوجین تشریح شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد حق قسم با هدف تحقق امور معنوی و عاطفی در روابط زوجین تشریح شده و حکمت‌های تشریح آن بین زوجین مشترک است و اصول اساسی تحکیم بنیان نهاد خانواده را تأمین می‌کند. مشهور فقها معتقدند حق قسم اختصاص به زوجات متعدد ندارد و زوجه واحد نیز از این حق برخوردار است. لذا در فرض خانواده تک‌همسری نیز حق قسم، موجب تحکیم کیان خانواده می‌شود. این در حالی است که بررسی منابع تقنینی، حاکی از خلأ جدی قانونی در ارتباط با حق قسم است؛ لذا در این مقاله با روشی تحلیلی - توصیفی، ابتدا حکمت‌های تشریح حق قسم و آثار مترتب بر آن بررسی می‌شود، سپس جایگاه حق قسم در تحکیم کیان خانواده مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در پایان با توجه به جایگاه ویژه حق قسم در تحکیم کیان خانواده، پیشنهاد‌های قانونی مبتنی بر منابع اصیل فقهی، در راستای رفع خلأهای قانونی حق قسم ارائه می‌شود. این پیشنهادها عبارتند از: پیش‌بینی نظارت حاکم بر اجرای حق قسم، جرم‌انگاری امتناع زوج از اجرای حق قسم، و طلاق حاکم.

واژگان کلیدی

حق قسم، تحکیم خانواده، استیناس، عدالت، حسن معاشرت

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۲

۲- استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران

Poorabdollah_k@yahoo.com

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران (نویسنده مسؤول)

mohamadhasani600@yahoo.com

مقدمه

تحکیم مبانی خانواده و صیانت این نهاد مقدس از فروپاشی، یکی از مهمترین اهداف تفکر و حیانی اسلام به شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۳۴۳)؛ زیرا از منظر قرآن کریم، تعالی و تحکیم جوامع بشری، در گرو تعالی و تحکیم مبانی خانواده است (همو، ۱۳۸۱، ص ۸۱). در همین راستا، در شریعت مبین اسلام، کیان خانواده، با اصول قوی و قویمی مانند مودت (همو، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۶۷۵)، حسن معاشرت (همو، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۲۶۲) و عدالت (همو، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۲۶۹) تحکیم شده است.

با توجه به اهمیت نهاد خانواده نزد شارع مقدس، ضروری است به تدبیر راهکارهای علمی مبتنی بر منابع اصیل و حیانی، در جهت تحکیم مبانی خانواده بپردازیم. رشد روز-افزون طلاق‌های عاطفی و هجمه وسیع به روابط عاطفی زوجین در جهان امروز، اهمیت پرداختن به این موضوع را دوچندان می‌سازد.

بررسی منابع اصیل فقه امامیه نشان می‌دهد شارع مقدس با هدف تأمین اصولی که موجب تحکیم کیان خانواده خواهد شد، حق قسم را در روابط زوجیتی تشریح کرده است؛ لذا می‌توان از این حق به عنوان یک راهبرد اساسی در تحکیم کیان خانواده نام برد.

این حق، در بحث تعدد زوجات، بیشترین بروز و ظهور را داراست؛ زیرا حق قسم، به تنظیم روابط زوجین، در فرض تعدد زوجات پرداخته، مانع از ظلم و بی‌عدالتی به یکی یا برخی از زوجات می‌شود؛ اما لازم است در این زمینه، به حق قسم زوج واحد نیز توجه کنیم. توضیح آن که طبق رأی مشهور فقهای امامیه، حق قسم اختصاص به زوجات متعدد ندارد و زوج واحد نیز از این حق برخوردار است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۱۵۶؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۱۳). لذا علی‌رغم نقش اثرگذار حق قسم، در انتظام بخشی به بحث تعدد زوجات، پرداختن به این موضوع، حتی در خانواده‌های تک همسری، موجب تحکیم کیان خانواده و راهگشای مسائل عاطفی زوجین می‌شود. خصوصاً آن که شکل غالب خانواده‌های ایرانی تک‌همسری است.

بیان مسأله

نویسندگان مقاله، با رویکردی به حکمت‌های تشریح حق قسم، مترصد پاسخگویی به این مسأله پژوهشی هستند که حق قسم چه تأثیری بر تحکیم کیان خانواده دارد؟ در همین راستا ابتدا به تبیین حکمت‌های تشریح حق قسم و آثار مترتب بر آن می‌پردازند، سپس جایگاه حق قسم در تحکیم کیان خانواده را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند و در پایان، با توجه به خلأهای قانونی موجود، مبتنی بر فقه امامیه، پیشنهادهای حقوقی در راستای رفع خلأهای تقنینی در این حوزه ارائه می‌دهند.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱- قسم

قسم در لغت عبارت است از تقسیم کردن (جوهری، ۱۴۰۵ هـ، ج ۵، ص ۲۰۱۰) و حصه و نصیب (طریحی، ۱۴۱۶ هـ، ج ۶، ص ۱۳۹). در اصطلاح فقها نیز عبارت است از «تقسیم شبها در میان زوجات» (نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۱، ص ۱۴۶؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ هـ، ج ۷، ص ۴۸۶).

۲- تحکیم کیان خانواده

کیان در لغت پایه و بنیان اساسی شیء است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۵۲۰) و منظور از کیان خانواده، همان محورها و بایسته‌هایی است که خانواده با تکیه بر آنها شکل گرفته و حفظ آنها باعث تحکیم و قوام بنیان خانواده می‌شود و بی‌توجهی به آنها موجب به خطر افتادن سلامت، موجودیت و استحکام نهاد خانواده می‌گردد که ممکن است منتهی به فروپاشی خانواده شود (حق‌شناس، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹). تحکیم نیز در لغت، مرادف احکام، به مفهوم استوار ساختن و محکم گردانیدن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۲۹). لذا تحکیم کیان خانواده عبارت است از محکم و استوار ساختن محورها و اصول حاکم بر خانواده که سبب قوام و حفظ نهاد خانواده خواهد شد.

حکمت تشریح حق قسم و آثار مترتب بر آن

حکمت‌ها و مصالحی که مُبیینان شریعت، در تبیین یک حکم بیان می‌کنند، چشم‌انداز کلی شارع مقدس و مقصود وی را در تشریح تعیین می‌کند؛ لذا بررسی حکمت‌های تشریح یک موضوع فقهی، در استنباط احکام و تطبیق آن با شرایط زمان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (پیوندی، ۱۳۹۵، ش ۴۸، ص ۹۱). بر این اساس، در راستای بررسی «جایگاه حق قسم در تحکیم کیان خانواده»، ضروری است حکمت‌ها و مصالح تشریح این حق، از منظر فقه‌های امامیه مورد واکاوی قرار گیرد. در همین راستا، ابتدا حکمت تشریح حق قسم از منظر فقه امامیه مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس آثار مترتب بر حکمت تشریح حق قسم واکاوی می‌شود.

حکمت تشریح حق قسم

به منظور دستیابی به حکمت دقیق تشریح حق قسم، کلیه مفاهیمی که از قبیل ثمره، غرض، فایده و حکمت در لسان فقها برای این حق مطرح شده است، بررسی و احصا گردیده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هفت عنوان کلی، در زمینه تشریح حق قسم وجود دارد که در ادامه بحث هر یک از این عناوین تبیین می‌شود.

حکمت نخست: استیناس زوجین

بسیاری از فقها، «استیناس، پیوستگی و الفت گرفتن زوجین با یکدیگر» را از حکمت‌ها و اغراض تشریح حق قسم دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ هـ ج ۳۱، ص ۱۴۸؛ عاملی، ۱۴۱۳ هـ ج ۸، ص ۳۰۹؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ هـ ج ۷، ص ۴۸۷). لازم به ذکر است از بین حکمت‌های مختلفی که برای حق قسم بیان شده است، استیناس زوجین از مواردی است که فقها، بارها و در مباحث مختلف حق قسم، بر آن تأکید کرده‌اند. از سوی دیگر برخی از فقها، تنها استیناس را به عنوان حکمت تشریح حق قسم معرفی کرده‌اند (فاضل هندی، ۱۴۱۶ هـ ج ۷، ص ۴۸۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ هـ ج ۱۲، ص ۷۷). از این مطالب می‌توان نتیجه گرفت که در میان حکمت‌های مختلف تشریح حق قسم، حکمت استیناس زوجین، از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در تشریح حق قسم برخوردار است.

با توجه به این که استیناس، یکی از اساسی‌ترین حکمت‌های تشریح حق قسم، در نهاد خانواده محسوب می‌شود؛ ضروری است معنای دقیق این واژه را از نظر لغوی و در اصطلاح فقهی تبیین نماییم.

واژه استیناس از ریشه «أَسَّ» اشتقاق یافته و با واژگان اُنس و تَأَسُّ مترادف دانسته شده است (طریحی، ۱۴۱۶ هـ ج ۴، ص ۴۸). به منظور تبیین دقیق معنای لغوی این واژه، ابتدا مفهوم واژه استیناس را از منظر علمای لغت می‌کاویم؛ سپس مفاهیم ریشه «أَسَّ» و مترادفات واژه استیناس را بررسی می‌کنیم. به علاوه، مفهوم واژه ایناس را نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ زیرا بعضاً در لسان فقها، واژه ایناس به عنوان معادل و جایگزین واژه استیناس، استعمال شده است.

نزد ارباب لغت، واژه استیناس، به مفهوم اُنس و الفت است (قرشی، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۳۱). در همین راستا کتب لغت با اشاره به آیه ۲۷ سوره نور^۱، استیناس را به طلب قرب، حضور و رفع حجاب، غیبت و ستر تعریف کرده‌اند (مصطفوی، ۱۴۰۲ هـ ج ۱، ص ۱۶۲). معنای دیگر واژه استیناس، سکون و طمأنینه است (بن منظور، ۱۴۱۴ هـ ج ۶، ص ۱۴).

ریشه اُنس، مصدر اشتقاقی واژگانی چون استیناس، اُنس، تَأَسُّ، ایناس، اِنْس، اِنْسَان و آنسه است. برخی از فرهنگ‌نویسان، ریشه اُنس را به آشکار و روشن شدن امور تعریف کرده، معتقدند ریشه اُنس بر هر آن چیزی که خلاف وحشت، تنهایی و اندوه است، اطلاق می‌گردد (بن فارس، ۱۴۰۴ هـ ج ۱، ص ۱۴۵). برخی از لغویان نیز ماده اُنس را عبارت می‌دانند از هر قرب و نزدیکی که با هدف استیناس صورت گیرد و آمیخته به ظهور و روشن شدن باشد. این گروه از علمای لغت، این ماده را خلاف نفرت، وحشت و بُعد دانسته‌اند (مصطفوی، ۱۴۰۲ هـ ج ۱، ص ۱۶۰).

واژه اُنس، از مترادفات واژه استیناس محسوب می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰ هـ ج ۷، ص ۳۰۸). لغویان اُنس را خلاف وحشت، ترس، تنهایی، اندوه (واسطی، ۱۴۱۴ هـ ج ۸، ص ۱۸۸)، نفرت و کراهت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ ص ۶۲) دانسته‌اند. فرهنگ‌نویسان طمأنینه و آرامش را نیز در

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ/نور، ۲۸.

تعریف این واژه آورده‌اند/واسطی، ۱۴۱۴هـ، ج ۱، ص ۱۸۸). سخن گفتن با زنان و آرامش و خوگرفتن با آنان نیز از مفاهیم دیگر واژه‌ی اُنس، نزد لغت‌دانان است(همان جا).

واژه تَأْنُس از مترادفات واژه استیناس محسوب می‌شود(فراهیدی، ۱۴۱۰هـ، ج ۷، ص ۳۰۸). علمای لغت از حالتی که قلب، سکون و آرامش یابد و در خود نفرتی احساس نکند؛ تعبیر به تَأْنُس کرده‌اند(فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵).

ایناس مصدر باب افعال و از جمله الفاظ هم‌ریشه با استیناس است. بررسی کتب لغت نشان می‌دهد که از ایناس به یقین(ابن منظور، ۱۴۱۴هـ، ج ۶، ص ۱۶) و خلاف وحشت و تنهایی نیز تعبیر شده است(همان، ص ۱۳). همچنین آشکارکردن و نزدیک‌شدنی که آمیخته با اُنس باشد، از معانی مذکور برای این واژه است(مصطفوی، ۱۴۰۲هـ، ج ۱، ص ۱۶۱). برخی از کتب لغت نیز، واژه ایناس را به ملاطفت و از بین بردن وحشت، ترس، تنهایی و اندوه تعریف کرده‌اند/واسطی، ۱۴۱۴هـ، ج ۱، ص ۱۸۸).

تا بدین جا مفهوم واژه استیناس، مصدر اشتقاقی و مترادفات آن را از نظر لغوی بررسی کردیم. در خاتمه بحث، دو نکته تبیین می‌شود که توجه به آنها، در درک عمیق مفهوم واژه استیناس، مؤثر خواهد بود.

نکته نخست در مورد مفهوم واژه «آنسه» است. توضیح آن که واژه آنسه از ماده اُنس مشتق گردیده و با واژه استیناس، هم‌ریشه است. علمای لغت از زن جوان پاکیزه‌سرشت و پاک‌طینتی که نزدیکی، مؤانست و مصاحبت با وی محبوب مردان باشد و موجب انبساط خاطر آنان گردد، تعبیر به آنسه کرده‌اند(فراهیدی، ۱۴۱۰هـ، ج ۷، ص ۳۰۸).

نکته دوم در مورد مفهوم واژگان اِنس و انسان است. اِنس و انسان دو واژه‌ای هستند که از ماده اُنس اشتقاق یافته‌اند و در نتیجه با واژگانی چون اُنس، استیناس و اینلس هم‌ریشه‌اند. بررسی معنای اِنس و انسان، در کتب لغت، نشان می‌دهد که موجود انسان، با مفاهیمی چون اُنس و استیناس پیوند عمیقی دارد. زیرا علمای لغت معتقدند اُنس از موجبات قوام و استحکام وجود انسان بوده، با ماهیت وی آمیخته و عجین است. این صاحب‌نظران معتقدند واژه انسان به فرزند آدم، از این روی اطلاق می‌شود که وجودش و خلقتش تنها با اُنس و محبت به یکدیگر قوام و ثبات می‌یابد(راغب/صفهانی، ۱۴۱۲هـ، ص ۹۴).

در مورد مفهوم اصطلاحی واژه استیناس باید گفت فقها از این واژه در موارد مختلفی استفاده و معانی مختلفی را از آن اراده کرده‌اند؛ اما به دلیل ضیق مجال، تنها مفهوم این واژه در باب نکاح بررسی می‌شود. موارد استعمال واژه استیناس در باب نکاح، قابل تقسیم‌بندی به چهار دسته است.

- در برخی متون اصیل فقهی، استیناس در شمار «فواید عقد نکاح» دانسته شده است (حلی، ۱۴۰۷ هـ ج ۳، ص ۱۷۲).

- در برخی متون اصیل فقهی، استیناس، در زمره «حقوق زوجیتی»، محسوب شده است (همو، ۱۴۱۳ هـ ج ۷، ص ۳۱۶).

- در برخی متون اصیل فقهی، استیناس، در شمار «مصالح عقد نکاح» قرار گرفته است (همو، ۱۴۱۴ هـ ص ۷۱۰).

- و نهایتاً در بسیاری از کتب فقهی، استیناس، از «اغراض، ثمرات و حکمت‌های تشریح حق قسم»، محسوب شده است (نجفی، ۱۴۰۴ هـ ج ۳۱، ص ۱۴۸؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ هـ ج ۷، ص ۴۸۷).

بررسی مفهوم لغوی واژه استیناس و مترادفات آن نشان می‌دهد که این واژه، برای بیان مفاهیم عمیق انسانی و عاطفی وضع شده است؛ مفاهیمی مانند اُنس‌گرفتن، الفت‌یافتن، آرامش و طمأنینه، قرب و نزدیکی و رهایی از بند تنهایی، وحشت، اندوه و نفرت. بنابراین می‌توان ادعا کرد که این واژه با مفاهیمی چون «عادت کردن»، فاصله آشکاری دارد؛ زیرا مفاهیمی مانند «عادت کردن»، قادر به بیان مفاهیم عمیق عاطفی و انسانی نیستند. همچنین توجه به این نکته ضروری است که مفهوم اُنس و الفت از جمله عناصری است که با ماهیت انسان، آمیخته و عجین شده است و نفس آدمی با آن قوام و ثبات می‌یابد. بر این اساس ضروری است در درک معنای استیناس، به عنوان یکی از اساسی‌ترین حکمت‌های تشریح حق قسم، به تمام این مفاهیم عمیق عاطفی، اخلاقی و انسانی توجه شود.

توجه به معانی لغوی واژه استیناس و تطبیق آن با معنای اصطلاحی این لفظ در باب نکاح نشان می‌دهد که فقهای عظام از استعمال لفظ استیناس در بحث نکاح، مفاهیم عمیق الفت، محبت و ملاحظت را اراده کرده‌اند. این بزرگواران با گزینش این لغت در پی بیان لفظی بوده‌اند که بر رفع تمامی حُجُب و مستوری‌ها و رهایی از بند وحشت، تنهایی، ترس، اندوه

نفرت و بُعد در بستر پر مهر خانواده دلالت کند. چنان که از منظر تفکر و حیانی اسلام، خانواده کانونی سرشار از رحمت، مودت، انس و الفت است که آدمی در بستر آن به تکامل و تعالی دست می‌یابد.

البته واژه استیناس در بحث نکاح می‌تواند بر مفاهیم اطمینان، طمأنینه، سکون و آرامش نیز دلالت کند. چنان که آرامش و سکون یافتن با زنان از جمله معانی لغوی مذکور برای مترادفات واژه استیناس بود و در تفاسیر گرانقدر شیعی نیز همسر، مایه آرامش و سکون آدمی معرفی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۶۱).

از مجموع مطالب فوق در می‌یابیم که شارع مقدس، با هدف تأمین اصل مودت در نهاد خانواده و تحکیم روابط عاطفی زوجین، حق قسم را در روابط زوجیتی تشریح کرده است؛ زیرا یکی از اساسی‌ترین مصالح و حکمت‌های مد نظر شارع مقدس، از تشریح این حق، انس، پیوستگی و دوستی صمیمانه زوجین با یکدیگر، به دنبال التزام به ملاقات و معیت مستمر است.

حکمت دوم: معاشرت بمعروف

«حسن معاشرت» از دیگر حکمت‌ها و فوایدی است که فقهای عظام برای تشریح حق قسم بیان کرده‌اند (عاملی، ۱۴۱۰هـ، ج ۵، ص ۴۰۴؛ بحرانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۲). بر این اساس، می‌توان گفت؛ اجرای قسم با ضوابط خاص فقهی، موجب تحقق «حسن معاشرت» در روابط زوجین می‌گردد. گفتنی است فقهای عظام برای اثبات وجود این حکمت، به آیه ۱۹ سوره نساء^۱ استناد کرده‌اند (عاملی، ۱۴۱۰هـ، ج ۵، ص ۴۰۴؛ ترحینی عاملی، ۱۴۲۷هـ، ج ۶، ص ۵۳۶).

چنان که فقهای عظام، «احتراز و دوری زوجین از آزار و اذیت یکدیگر» را از فواید تشریح حق قسم عنوان کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴هـ، ج ۳۱، ص ۱۴۸؛ عاملی، ۱۴۱۳هـ، ج ۸، ص ۳۰۹). بر این اساس اجرای قسم، موجب «جلوگیری از آزار و اذیت زوجین نسبت به یکدیگر» خواهد شد. در توضیح این مطلب می‌توان گفت به عنوان مثال، اگر زوج علاوه بر انفاق، تکلیف مواجه

۱- وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ... (نساء، ۱۹).

در هر چهار ماه یکبار را در حق زوجه انجام دهد، اما پس از انجام این دو تکلیف، زوجه را رها کند و برای مدت متمادی به سراغ همسر خود نرود، این امر قطعاً موجب آزار و اذیت زوجه خواهد شد. اما اجرای قسم با ضوابط خاص خود، از روا داشتن چنین آزار و اذیت‌هایی جلوگیری کرده و حسن معاشرت را در روابط زوجین محقق می‌سازد.

حکمت سوم: برقراری عدالت

برقراری عدالت در روابط زوجیتی و رعایت جوانب انصاف با همسران، از دیگر حکمت‌ها و اغراضی است که فقهای عظام برای تشریح حق قسم بیان کرده‌اند. نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۳۱، ص ۱۴۸؛ عاملی، ۱۴۱۳هـ ج ۸، ص ۳۰۹. در توضیح این مطلب می‌توان گفت؛ به عنوان مثال، اگر زوج با یکی از همسرانش به طور مداوم مضاجعت کند، اما سراغ همسر دیگر خود نرود، این امر، از مصادیق روشن ظلم و بی‌عدالتی است. اما اجرای قسم، با این قبیل ظلم‌ها در روابط زوجیتی مقابله می‌کند و عدالت را در روابط زوجین محقق می‌سازد.

حکمت چهارم: پرهیز از وحشت و تنهایی

رهایی و در امان ماندن از وحشت و تنهایی، از دیگر حکمت‌های تشریح حق قسم دانسته شده است (عاملی، ۱۴۱۳هـ ج ۸، ص ۳۰۹؛ ترحینی عاملی، ۱۴۲۷هـ ج ۶، ص ۵۴۱). می‌توان گفت این حکمت با استیناس، که یکی دیگر از حکمت‌های تشریح حق قسم محسوب می‌شود، ارتباط تنگاتنگی دارد؛ زیرا در بررسی لغوی روشن شد که استیناس، خلاف وحشت و تنهایی است و انسان با اُنس گرفتن به چیزی یا کسی می‌تواند از وحشت و تنهایی رهایی یابد. در عقد نکاح نیز اجرای قسم، سبب می‌شود که هر یک از زوجین با همسر خود اُنس گرفته، مأنوس شود. از مهمترین لوازم این استیناس، رها شدن زوجین از بند تنهایی و وحشت است.

حکمت پنجم: آرامش، سکونت و استقرار زوجین

آرامش و سکونت یافتن زوجین در کنار یکدیگر، یکی دیگر از حکمت‌ها و اغراضی است که برای تشریح حق قسم بیان شده است (حلی، ۱۳۸۷هـ ج ۳، ص ۲۵۰).

حکمت ششم: استمتاع زوجین از یکدیگر

استمتاع زوجین از یکدیگر، از دیگر حکمت‌هایی است که فقهای عظام برای تشریح حق قسم بیان کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ هـ ج ۳۱، ص ۱۸۵؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۵ هـ، ج ۱، ص ۵۷۵). به عبارت دیگر استمتاع و بهره‌گیری جنسی زوجین از یکدیگر، یکی دیگر از فوایدی است که با اجرای حق قسم، برای زوجین حاصل می‌شود.

آثار مترتب بر حکمت تشریح حق قسم

بررسی حکمت‌های حق قسم نشان می‌دهد که آثار ویژه‌ای بر این حکمت‌ها مترتب خواهد شد. چنان که فقهای عظام معتقدند عواملی مانند کفر زوجین، حرمت مواقعه با زوجه و ابتلای زوجین به بیماری‌ها و عیوب جنسی، مانع از وجوب اجرای حق قسم نخواهد بود. در اثبات این مطلب به پنج دلیل استناد شده است. دلیل نخست آن که مراد از تشریح حق قسم، استیناس زوجین با یکدیگر است؛ نه مواقعه و مباشرت خاص همسری (فاضل هندی، ۱۴۱۶ هـ، ج ۷، ص ۴۱۹؛ حلی، ۱۴۱۳ هـ ج ۳، ص ۹۰). دلیل دوم آن که فواید و حکمت‌های تشریح حق قسم، اختصاص به یکی از زوجین ندارد و هر دوی زوجین از این فواید منتفع می‌شوند (عاملی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۱، ص ۳۰۹). عموم آیات و روایات، عدم اختلاف فقها/طوسی، ۱۳۸۷ هـ، ج ۴، ص ۳۲۸) و اطلاق اوامر ادله وجوب قسم (عاملی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۱۲۹) نیز از دیگر دلایل وجوب اجرای حق قسم در حالات یادشده (کفر زوجه، حرمت مواقعه با زوجه و ابتلای زوجین به بیماری‌ها و عیوب جنسی) است. در ادامه، مبتنی بر منابع اصیل فقه امامیه آثار مترتب بر حق قسم، تبیین و واکاوی خواهد شد.

۱- عدم اختصاص حق قسم به زوجه مسلمان

طبق فتوای فقهای امامیه، اشتراک حکمت‌های حق قسم بین زوجین و غلبه امور معنوی و عاطفی در حکمت‌های تشریح این حق، سبب می‌شود حق قسم، اختصاص به زوجین مسلمان نداشته باشد؛ بلکه اجرای این حق حتی در صورتی که زوجه، کافر کتابی باشد نیز جاری خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴ هـ ج ۳۱، ص ۱۶۷).

۲- عدم تأثیر ابتلای زوجین به عیوب جنسی در لزوم اجرای حق قسم

طبق فتوای فقهای امامیه، اگر زوجین به یکی از عیوب جنسی مانند عنن، خصاء، جب، قرن، رتق و عفل مبتلا باشند، این امور مانع از اجرای حق قسم نخواهند شد/طوسی، ۱۳۸۷هـ ج ۴، ص ۳۲۸؛ زیرا با توجه به حکمت‌های تشریح حق قسم، این حق اساساً برای تحقق امور معنوی و عاطفی بین زوجین تشریح شده است. لذا وجود موانع عقلی برای مواجهه با زوجه، مانع از اجرای این حق و تحقق حکمت‌های آن نخواهد بود.

۳- عدم تأثیر حرمت مواجهه با زوجه در لزوم اجرای حق قسم

در فقه امامیه، اجرای حق قسم حتی در فرضی که زوجه در حالت حیض و نفاس قرار دارد، نیز واجب است. حتی فقها معتقدند اگر زوج، زوجه را ایلاء یاظهار کند و یا زوجه مُحرم باشد، این حق همچنان پابرجاست/حلی، ۱۴۱۳هـ ج ۳، ص ۹۰. اگر چه طبق فتوای فقهای امامیه، در حالت حیض، نفاس، احرام، ایلاء وظهار، مواجهه با زوجه حرام است. در توضیح این مطلب باید گفت؛ با توجه به حکمت‌های تشریح حق قسم، این حق، اساساً برای تحقق امور معنوی و عاطفی بین زوجین تشریح شده است؛ لذا وجود موانع شرعی برای مواجهه با زوجه، مانع از اجرای حق قسم و تحقق حکمت‌های آن نخواهد بود.

۴- عدم تأثیر بیماری زوجین در لزوم اجرای حق قسم

از منظر فقهای امامیه، بیمار بودن زوج و زوجه نیز تأثیری در وجوب حق قسم ندارد؛ مگر آن که بیماری زوجه به صورتی باشد که سبب سقوط حق قسم شود. البته اگر زوج بیمار، بخواد نزد همسر خود بیتوته کند، این امر با اذن زوجه، امکان‌پذیر خواهد بود (فاضل هندی، ۱۴۱۶هـ ج ۷، ص ۴۸۹؛ طرابلسی، ۱۴۰۶هـ ج ۲، ص ۲۲۹).

تحلیل جایگاه حق قسم در تحکیم کیان خانواده

در مقام تحلیل جایگاه حق قسم در تحکیم کیان خانواده باید گفت تعمق در حکمت‌های تشریح حق قسم، سه نکته مهم را روشن می‌سازد:

۱- اشتراک فواید و حکمت‌های تشریح حق قسم در میان زوجین

بررسی دقیق حکمت‌های تشریح حق قسم نشان می‌دهد که این حق، برای اغراض و حکمت‌هایی تشریح شده که اختصاص به یکی از زوجین ندارد؛ بلکه این حکمت‌ها، بین هر دوی زوجین مشترک است. بنابراین با اجرای حق قسم در روابط زوجیتی، زوج و زوجه، هر دو از فواید ناشی از این حق، برخوردار خواهند شد/نجفی، ۱۴۰۴هـ، ج ۳۱، ص ۱۴۸؛ عاملی، ۱۴۱۳هـ، ج ۸، ص ۳۰۹. به بیان روشن‌تر در شریعت مبین اسلام، احکام حق قسم به گونه‌ای سامان یافته است که استیناس، حسن معاشرت، عدالت، آرامش، پرهیز از آزار و اذیت و تنهایی و نهایتاً استمتاع و بهره‌گیری جنسی را در روابط زوجین محقق سازد. بنابراین اگر حق قسم با کیفیت خاص خود در روابط زوجیتی اجرا شود، تمامی حکمت‌های مذکور تحقق یافته، هر دوی زوجین از این فواید و ثمرات بهره‌مند خواهند شد.

۲- تشریح حق قسم با هدف تحقق امور عاطفی و معنوی

با نگاهی جامع به حکمت‌های تشریح حق قسم در می‌یابیم که حق قسم، عموماً با هدف تحقق امور معنوی و عاطفی در روابط زوجین تشریح شده است؛ اموری از قبیل رهایی از وحشت و تنهایی، احتراز از آزار و اذیت، حسن معاشرت و خصوصاً عدالت، استیناس و آرامش زوجین. البته استمتاع جنسی هم در تشریح این حق مؤثر بوده است؛ اما نسبت به حکمت‌هایی چون استیناس، کمتر بر حکمت استمتاع و بهره‌گیری جنسی، تأکید شده است.^۱ لذا به جرأت می‌توان ادعا کرد که هدف اصلی از تشریح حق قسم، تحقق امور عاطفی و معنوی در روابط زوجین بوده است. بر این اساس، اجرای دقیق حق قسم با ضوابط خاص فقهی، در نهاد خانواده، موجب تحکیم روابط عاطفی زوجین می‌شود. البته باید توجه کرد که ارضای صحیح نیازهای جنسی در روابط زوجین نیز، خود یکی از عوامل مؤثر و اساسی در صمیمیت زوجین و تحکیم روابط عاطفی آن‌ها محسوب می‌شود.

۱- مرور کتب فقهی نشان می‌دهد تنها دو تن از فقهای عظام، استمتاع را جزء یکی از ثمرات حق قسم دانسته‌اند/نجفی، *جواهر الکلام*، پیشین، ج ۳۱، ص ۱۸۵؛ شیرازی حسینی، *التعلیقات علی شرایع الاسلام*، پیشین، ج ۱، ص ۵۷۵.

۳- تأمین اصول تحکیم خانواده توسط حق قسم

بررسی حکمت‌های تشریح حق قسم نشان می‌دهد که این حکمت‌ها، با اهداف کلی عقد نکاح در شریعت مبین اسلام و اصولی که برای تحکیم کیان خانواده جعل شده است، همسو و هماهنگ است. به منظور تبیین بیشتر، بحث را با توجه به حکمت‌های حق قسم بررسی می‌کنیم:

- قرآن کریم، هدف از آفرینش همسر و تشکیل خانواده را آرامش یافتن زوجین در کنار یکدیگر معرفی می‌کند (اعراف، ۱۸۹؛ روم، ۲۱) و مودت و رحمت را دو اصل اساسی برای تحقق این هدف ارزشمند می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۶۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۹۱). در همین راستا باید گفت این حق، با هدف تحقق آرامش، سکون و استقرار زوجین تشریح شده است. لذا اجرای دقیق حق قسم در روابط زوجیتی، هدف مورد نظر شارع مقدس (یعنی همان آرامش) را از آفرینش همسر و تشکیل خانواده، تأمین خواهد کرد.

- از منظر قرآن کریم، مودت، انس و پیوستگی صمیمانه زوجین با یکدیگر (روم، ۲۱)، یکی از اصول اساسی تحکیم کیان خانواده محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۴۷، ج ۱۶، ص ۳۹۳). در همین راستا باید گفت حق قسم نیز، با هدف انس، الفت و پیوستگی هر چه بیشتر زوجین تشریح شده است؛ لذا اجرای حق قسم در روابط زوجیتی، اصل مودت را به عنوان یکی از اصول اساسی تحکیم کیان خانواده، تأمین خواهد کرد.

- از منظر قرآن کریم، حسن معاشرت (نساء، ۱۹)، یکی از اصول اساسی تحکیم کیان خانواده محسوب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۲۶۲). در همین راستا باید گفت حق قسم با هدف تحقق حسن معاشرت در روابط زوجین تشریح شده است. لذا اجرای حق قسم در روابط زوجیتی، اصل حسن معاشرت را به عنوان یکی از اصول اساسی تحکیم کیان خانواده، تأمین خواهد کرد.

- همچنین از منظر قرآن کریم، عدالت (نساء، ۱۹)، اساس تشریح در احکام نکاح محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۴، ص ۲۶۹). رعایت عدالت، بر هر شخصی واجب است؛ اما این موضوع در نهاد خانواده اهمیت شایانی می‌یابد. لذا هر کس قصد تشکیل خانواده دارد، مکلف است با همسر خویش به عدالت رفتار کند و حقوق وی را ایفا نماید؛ خصوصاً

کسی که خواهان ازدواج مجدد است، افزون بر رعایت عدالت عمومی، باید عدالت بین همسران را نیز پاس بدارد/جواد آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۲۴۰. در همین راستا باید گفت حق قسم، با هدف تحقق عدالت در روابط زوجین تشریح شده است. لذا بین اجرای حق قسم در روابط زوجیتی و اجرای عدالت در نهاد خانواده رابطه تلازم برقرار است؛ به گونه‌ای که لازمه اجرای حق قسم، برقراری عدالت در نهاد خانواده خواهد بود. از مجموع مطالب فوق اثبات می‌شود که حکمت‌های تشریح حق قسم با اهداف کلی عقد نکاح و اصول تحکیم کیان خانواده در شریعت مبین اسلام، همسو و هماهنگ است. لذا حق قسم از جایگاه ویژه‌ای در تحکیم کیان خانواده برخوردار است.

تبیین خالاهای قانونی حق قسم

تا بدین جا روشن شد حق قسم، یکی از حقوقی است که در راستای تحکیم هر چه بیشتر بنیان نهاد خانواده تشریح شده است؛ زیرا حکمت و غرض اصلی تشریح حق قسم، اموری چون استیناس و پیوستگی زوجین، حسن معاشرت و عدالت است. بر این اساس با اجرای حق قسم، بنیان نهاد خانواده استحکام خواهد یافت.

اما باید گفت علی‌رغم جایگاه ویژه حق قسم در تحکیم کیان خانواده، بررسی قوانین موضوعه کشور از جمله قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ نشان می‌دهد قانون‌گذار از پیش‌بینی این حق، در زمره حقوق و تکالیف زوجیتی غفلت کرده است. از این حیث می‌توان رویه قانون‌گذار را در غفلت از قانونی کردن حق قسم زوجه، مورد انتقاد جدی قرار داد. اما علی‌رغم خالاً قانونی در بحث حق قسم و تضمین آن، فقه امامیه، ضمن تبیین مقررات حق قسم، ضمانت‌اجراهای مختلفی را برای تضمین حق قسم زوجه، پیش‌بینی کرده است.

لذا ضروری است قانون‌گذار در راستای رفع خالاهای قانونی حق قسم و ضمانت‌اجرای آن، مبتنی بر فقه امامیه، در نخستین و اساسی‌ترین اقدام، حق قسم زوجه را قانون‌گذاری کرده، به تبیین مقررات و ضوابط اجرای این حق در حقوق خانواده بپردازد. البته چنان که روشن است اجرای دقیق قوانین در گرو وضع ضمانت‌اجرایی قوی و مستحکم است. لذا صرف قانون‌گذاری حق قسم، بدون وضع ضمانت‌اجرای مؤثر و مناسب کافی نیست؛ بلکه

لازم است قانون‌گذار در راستای رفع خلأهای قانونی حق قسم، تضمین‌های مناسبی را برای اجرای این حق پیش‌بینی کند (اسدی، ۱۳۸۲، ص ۹۸-۱۰۰).

لذا در ادامه مبتنی بر تضمین‌های فقهی حق قسم زوجه، در راستای رفع خلأهای قانونی ضمانت اجرای حق قسم، سه پیشنهاد قانونی ارائه می‌شود:

۱- لزوم پیش‌بینی نهادهای نظارتی بر اجرای حق قسم زوجه

مبتنی بر فقه امامیه، چنانچه زوج از اجرای حق قسم امتناع کند، پس از مراجعه زوجه به محاکم شرع، حاکم، شرایطی را ترتیب می‌دهد تا بر اجرای حق قسم زوجه نظارت کند و زوج را از ظلم کردن در حق زوجه بازدارد.

توضیح آن که بر اساس منابع معتبر فقهی، «نظارت حاکم بر احوال زوجین»، یکی از ساز و کارهایی است که حاکم می‌تواند از طریق آن، زوج را به اجرای قسم الزام کرده و حق زوجه را استیفا کند؛ یعنی اگر زوج، حقوق زوجه از جمله حق قسم وی را ادا نکند و بدین ترتیب موجب اضرار به زوجه شود، حاکم، زوج را مکلف می‌کند که زوجه را در منزلی مطمئن و با موقعیت جغرافیایی خاصی سکونت دهد که امکان نظارت حاکم بر احوال زوجین موجود باشد. بدین ترتیب حاکم بر احوال زوجین و اجرای حق قسم زوجه نظارت کرده و زوج را از ظلم در حق زوجه باز می‌دارد (نجفی، ۱۴۰۴ هـ ج ۳۱، ص ۱۸۴؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ هـ ج ۷، ص ۵۱۶).

گفتنی است در جهت نظارت حاکم بر احوال زوجین، اگر زوج تصمیم به مسافرت یا مهاجرت گیرد، حاکم شرع نمی‌تواند زوج را از مهاجرت یا مسافرت منع کند؛ اما مکلف خواهد بود با حاکم شهر مقصد، مکاتبه کند و ضمن شرح دعوی، از حاکم شهر مقصد بخواهد که با ترتیب فوق، بر اجرای قسم زوجه نظارت کرده، مانع ظلم در حق زوجه نشود (نجفی، ۱۴۰۴ هـ ج ۳۱، ص ۱۸۴).

مبتنی بر این ظرفیت غنی فقهی شایسته است قانون‌گذار در راستای تعیین ضمانت اجرای حق قسم زوجه، به نقش نظارتی حاکم در این خصوص توجه کرده، لزوم نظارت بر اجرای حق قسم را به عنوان یک ضمانت اجرای مدنی، برای این حق قانون‌گذاری کند. خصوصاً آن که نظارت بر رعایت حقوق همسران و تقنین موادی مثر ثمر در این رابطه، از وظایف مقام

قانون‌گذاری به شمار می‌رود (سیدی، ۱۳۸۲، ش ۲۴، ص ۸۹).

در راستای مطالب فوق پیشنهاد می‌شود مقنن، نهادهایی مانند نهاد «مشاوره خانوادگی» را موظف کند تا بر اجرای حق قسم زوجه نظارت کنند. توضیح آن که قانون‌گذار در فصل دوم از قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، نهاد «مشاوره خانوادگی» را پیش‌بینی کرده است. طبق ماده ۱۶ این قانون^۱، هدف از پیش‌بینی نهادهای مشاوره خانوادگی، تحکیم مبانی خانواده، سعی در صلح و سازش و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق است. با توجه به ویژگی‌های سازمانی^۲ و اهدافی که در پس پیش‌بینی چنین نهادهایی وجود دارد، می‌توان نظارت بر اجرای قسم زوجه را نیز در حیطه وظایف قانونی این نهادها قرار داد؛ زیرا چنان که بارها بر این مطلب تأکید کردیم، اجرای حق قسم با کیفیت خاص خود در روابط زوجیتی، سبب تحکیم کیان خانواده و جلوگیری از اختلافات خانوادگی و طلاق‌های عاطفی و حقوقی خواهد شد. بنابراین حکمت تشریح حق قسم، با اهداف پیش‌بینی نهادهای مشاوره خانوادگی، همسو و هماهنگ است.

در خاتمه بحث، شایان ذکر است که باید ورود حقوق عمومی حتی نهادهایی مثل نهاد مشاوره خانوادگی را در حریم خصوصی خانواده، خصوصاً در مسائل مربوط به حق قسم محدود به موارد ضروری نماییم؛ زیرا خانواده و به طور خاص، حق قسم، مبتنی بر استیناس و حسن‌معاشرت می‌باشند و چه بسا ورود حقوق عمومی در این حوزه، موجب تزلزل در روابط عاطفی زوجین و فروپاشی نهاد خانواده شود. لذا باید از این راهکار در مواردی استفاده کرد که زوج پس از موعظه، گفتگو و نهی از منکر، باز هم حاضر به اجرای حق قسم زوجه نباشد.

۱- ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: «به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در صلح و سازش، قوه قضاییه موظف است ظرف سه سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاه‌های خانواده ایجاد کند».

۲- مواد ۱۷ تا ۱۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

۲- لزوم جرم‌انگاری امتناع زوج از اجرای حق قسم زوجه در قوانین کیفری

مرور قوانین کیفری نشان می‌دهد قانون‌گذار استتکاف زوج از اجرای حق قسم زوجه را جرم‌انگاری نکرده است. حال آن که فقهای امامیه معتقدند چنانچه الزام زوج، به اجرای حق قسم زوجه، ممکن و مؤثر نباشد، حاکم شرع می‌تواند زوج را به صلاحدید خود تعزیر کند/عاملی، ۱۴۱۳ هـ ج ۱، ص ۳۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ هـ ص ۱۶۹).

در همین راستا این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به سکوت قانون‌گذار در این زمینه آیا می‌توان با مراجعه به قوانین فقهی، زوج مستتکف از اجرای حق قسم را تعزیر کرد؟ به بیان دیگر در صورت امتناع زوج از اجرای حق قسم زوجه، قاضی می‌تواند از اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها عدول کرده و با مراجعه به منابع اسلامی، زوج مستتکف را تعزیر کند؟ در اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی^۱، به قاضی اجازه داده شده در موارد سکوت، نقص، اجمال، تعارض یا ابهام قانون، با استخراج حکم قضیه، از منابع معتبر فقهی، اقدام به صدور رأی کند؛ اما به نظر می‌رسد در مواردی که جرم‌انگاری توسط قانون‌گذار صورت نگرفته است، قاضی نمی‌تواند با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی‌ای مشهور فقهی، شخصا به تعیین مجازات اقدام کند.

در بیان علت مطلب فوق باید گفت وضع مجازات کیفری توسط قاضی، در این فرض با اصولی چون اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، لزوم تفسیر مضیق قوانین جزایی (ردبیلی، ۱۳۹۴، ص ۳۱۲؛ زراعت، ۱۳۸۵، ص ۷۴) و قاعده در (بجنوردی، ۱۴۰۱ هـ ج ۱، ص ۱۷۳) منافات خواهد داشت. به علاوه ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز تعزیر را مجازاتی دانسته است که «به موجب قانون» در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد^۲. لذا می‌توان نتیجه گرفت که اعمال هرگونه

۱- اصل ۱۶۷ قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدون بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی‌ای معتبر حکم قضیه را صادر کند و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدون از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».

۲- ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود....».

مجازات توسط قاضی، لزوماً باید به موجب قانون باشد.

مبتهی بر مطالب فوق، در پاسخ به سؤال مطروح باید گفت تعزیر زوجی که از اجرای قسم زوجه استتکاف می‌کند، منوط به جرم‌انگاری امتناع زوج از اجرای حق قسم است. لذا قاضی کیفری نمی‌تواند با استناد به منابع معتبر اسلامی، در این خصوص، عنوان مجرمانه جعل کند و به مجازات تعزیری زوج حکم دهد.

البته با توجه به جایگاه ویژه حق قسم در تحکیم بنیان نهاد خانواده، عدم جرم‌انگاری استتکاف زوج از اجرای حق قسم، یک خلأ قانونی جدی محسوب می‌شود. لذا ضروری به نظر می‌رسد که قانون‌گذار، در راستای صیانت از کیان خانواده، طبق متون اصیل فقهی، استتکاف زوج از اجرای حق قسم را جرم‌انگاری کند. البته از آنجا که فقه امامیه، تعیین نوع مجازات تعزیری را به صلاحدید حاکم شرع واگذار کرده است، انتظار می‌رود مقنن با لحاظ ویژگی‌های نهاد پر مهر خانواده و حکمت تشریح حق قسم، مجازات تعزیری مناسبی را در این خصوص تعیین کند. در خاتمه بحث باید گفت لازم است اعمال تضمین‌های کیفری را در حقوق خانواده، خصوصاً در روابط زوجین، منحصر به موارد خاص و ضروری کرد. زیرا روابط اعضای خانواده، بیش از آن که مبتنی بر قرارداد باشد، مبتنی بر مودت و رحمت است و اعمال تضمین‌های کیفری در حوزه خانواده، غالباً زمینه‌ساز متلاشی‌شدن این نهاد مقدس می‌گردد/توجهی، ۱۳۸۹، ش ۴۸، ص ۲۲۸.

۳- لزوم پیش بینی امکان تقاضای طلاق توسط زوجه در صورت امتناع

زوج از اجرای حق قسم

بررسی‌ها نشان می‌دهد از منظر فقها/خوئی، ۱۴۱۰ هـ، ج ۲، ص ۲۸۲ و حقوقدانان(صفایی و امامی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۸۳)، امتناع زوج از اجرای حق قسم زوجه، از مصادیق نشوز زوج محسوب شده، عامل مستقلی در جواز تقاضای طلاق توسط زوجه به شمار می‌رود؛ لذا زوجه برای تقاضای طلاق، نیازی به اثبات عسر و حرج خود در دادگاه ندارد. توضیح آن که اگر زوج، از ادای حقوق واجب زوجه از جمله اجرای حق قسم، استتکاف ورزد، مرتکب نشوز شده است. در همین راستا برخی از فقهای امامیه معتقدند طلاق

حاکم، یکی از ضمانت‌اجراهای نشوز زوج محسوب می‌شود. توضیح آن که چنانچه زوج، مرتکب نشوز شود و از اجرای حقوق واجب زوجه امتناع کند، حاکم، زوج را به ادای حقوق واجب زوجه الزام می‌کند. اگر الزام زوج به ادای حقوق واجب زوجه، مؤثر واقع نشود، حاکم زوج را ملزم می‌کند که زوجه را طلاق دهد. چنانچه زوج از انجام هر دو کار امتناع کند، یعنی هم از ادای حقوق واجب زوجه سر باز زند و هم حاضر به طلاق زوجه نشود، حاکم شرع می‌تواند از باب «الحاکم ولی الممتنع» رأساً طلاق زوجه را اجرا کرده، وی را مطلقه کند/مرورید، ۱۴۱۳هـ.ج، ۱۸، ص ۴۳.

از این جهت در راستای تضمین حق قسم زوجه، ضروری می‌کند قانون‌گذار طبق متون اصیل فقهی و حقوقی، این حق را برای زوجه پیش‌بینی کند که پس از اثبات امتناع زوج از اجرای حق قسم، بتواند از دادگاه تقاضای طلاق کند؛ بدون آن که لازم باشد عسر و حرج خود را در دادگاه اثبات کند. چنان که مقنن در ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی، همین رویه را در مورد حق زوجه بر نفقه در پیش گرفته است و در صورت عدم امکان الزام زوج به پرداخت نفقه و طلاق زوجه، به حاکم شرع این مجوز را داده است که رأساً طلاق زوجه را اجرا کند.

البته باید توجه کرد که راهکار طلاق، آخرین راهکاری است که در حل و فصل منازعات زوجات مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ لذا ضروری است اعمال ضمانت‌اجرای طلاق را توسط محاکم شرع در صورت امتناع زوج از ایفای حق قسم زوجه منحصر به مواردی کنیم که هیچ راه دیگری برای مقابله با زوج وجود نداشته باشد. خصوصاً آن که طلاق موجب گسستن و جدایی زوجین و فروپاشی خانواده می‌شود؛ حال آن که قسم، حقی است که برای اُنس، الفت و پیوستگی هر چه بیشتر زوجین تشریح شده است و با هدف تحکیم مبانی خانواده تشریح شده است.

یافته‌های پژوهش

۱- حکمت‌های تشریح حق قسم عبارتند از: استیناس و پیوستگی زوجین، عدالت، حسن معاشرت، آرامش و سکون زوجین، پرهیز از آزار و اذیت، پرهیز از وحشت و تنهایی و

- استمتاع زوجین از یکدیگر. با توجه به حکمت‌های حق قسم، ابتلای زوجین به بیماری و یا عیوب جنسی و حرمت موافقه با زوجه مانع از وجوب اجرای حق قسم نخواهد بود.
- ۲- حق قسم با هدف تحقق امور عاطفی و معنوی بین زوجین تشریح شده است.
- ۳- حکمت‌های تشریح حق قسم بین زوجین مشترک است؛ به گونه‌ای که با اجرای این حق هر دوی زوجین از فواید آن بهره‌مند خواهند شد.
- ۴- با بررسی حکمت‌های حق قسم درمی‌یابیم حق قسم تأثیر عمیقی بر استحکام کیان خانواده می‌گذارد؛ زیرا اجرای حق قسم با ضوابط خاص خود، اساسی‌ترین اصول تحکیم کیان خانواده را تأمین می‌کند.
- ۵- علی‌رغم جایگاه ویژه حق قسم در تحکیم کیان خانواده، منابع تقنینی کشور دارای خلأهای جدی در بحث حق قسم هستند. لذا شایسته است قانون‌گذار مبتنی بر فقه امامیه به پیش‌بینی این حق در حقوق خانواده مبادرت ورزد. پیش‌بینی نظارت حاکم بر اجرای حق قسم، جرم‌انگاری امتناع زوج از اجرای حق قسم، و طلاق حاکم از پیشنهادهایی است که در راستای تضمین حق قسم زوجه به فضای تقنینی کشور ارائه می‌شود.

منابع

قرآن کریم

- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴ هـ ق، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۴۱۴ هـ، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع دار صادر، چاپ سوم
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ۱۳۹۴، تهران، نشر میزان، چاپ چهل و سوم
- اسدی حلی، احمد بن محمد، المهدب البارع فی شرح المختصر النافع، ۱۴۰۷ هـ ق، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول
- اسدی، لیلا سادات، تجدید فراش در حصر عدالت، ۱۳۸۲، فصلنامه راهبردی زنان، شماره ۲۴، ص ۲۲۰-۲۳۱
- امامی، اسدالله و سید حسین صفایی، حقوق خانواده، ۱۳۸۲، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ نهم
- بحرانی، حسین بن محمد آل عصفور، الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع (اللفیض)، بی تا، قم، مجمع البحوث العلمیه، چاپ اول
- پیوندی، غلامرضا، حکمت‌های کیفر در نظام جزایی اسلام، ۱۳۹۵، نشریه حقوق اسلامی، شماره ۴۸، ص ۹۱-۱۲۵
- ترحینی عاملی، سید محمد حسین، الزبده الفقهیة فی شرح الروضه البهیة، ۱۴۲۷ هـ ق، دار الفقه للطباعة و النشر، چاپ چهارم
- توجهی، عبدالعلی، لزوم جرم‌انگاری نشوز زوج، ۱۳۸۹، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۸، ص ۲۱۹-۲۵۲
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه، ۱۴۱۰ هـ، بیروت، انتشارات دار العلم للملایین، چاپ اول
- حسینی شیرازی، سید صادق، التعليقات علی شرائع الإسلام، ۱۴۲۵ هـ ق، انتشارات استقلال، چاپ ششم

- حسینی واسطی زبیدی حنفی، سید محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ۱۴۱۴هـ، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول
- حق شناس، سید جعفر، *آسیب شناسی خانواده*، ۱۳۸۸، تهران، انتشارات ریاست جمهوری مرکز امور زنان و خانواده، چاپ اول
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *تذکره الفقهاء (ط - الحدیثه)*، ۱۴۱۴هـ قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول
- _____ *قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام*، ۱۴۱۳هـ قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول
- _____ *مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه*، ۱۴۱۳هـ قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم
- _____ *إيضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، ۱۳۸۷هـ قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ۱۳۸۷هـ قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم
- _____ *تفسیر تسنیم*، ۱۳۸۹هـ قم، مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم و ششم
- _____ *تفسیر موضوعی قرآن کریم (جامعه در قرآن)*، ۱۳۸۸هـ قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، ۱۴۱۲هـ سوریه، دار العلم - الدار الشامیه، چاپ اول
- زراعت، عباس، *حقوق جزای عمومی*، ۱۳۸۵هـ تهران، ققنوس، چاپ اول
- طرابلسی، قاضی ابن براج عبد العزیز، *المهذب (لابن البراج)*، ۱۴۰۶هـ قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد، *ریاض المسائل (ط - الحدیثه)*، ۱۴۱۸هـ قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ۱۴۱۷هـ قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ پنجم
- طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، ۱۴۱۶هـ تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم

- طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، ۱۳۸۷هـ، تهران، المكتبة المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم
- عاملی، زین الدین بن علی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة (المحشی - سلطان العلماء)*، ۱۴۱۲هـ، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول
- _____ *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة (المحشی - کلانتر)*، ۱۴۱۰هـ، قم، کتابفروشی داورى، چاپ اول
- _____ *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، ۱۴۱۳هـ، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول
- فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن، *كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام*، ۱۴۱۶هـ، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، ۱۴۱۰هـ، قم، نشر هجرت، چاپ دوم
- قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، ۱۴۱۲هـ، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ ششم
- مروارید، علی اصغر، *ینابیع الفقهیه*، ۱۴۱۳هـ، بیروت، الدار الاسلامیه
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ۱۴۰۲هـ، تهران، مرکز کتاب لترجمه و النشر، چاپ اول
- مقری فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، بی تا، قم، منشورات دار الرضی، چاپ اول
- مکارم شیرازی، ناصر، *تعزیر و گستره آن*، ۱۴۲۵هـ، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، چاپ اول
- _____ *تفسیر نمونه*، ۱۳۷۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول
- موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن، *قواعد فقهیه*، ۱۴۰۱هـ، تهران، مؤسسه عروج، چاپ سوم
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، ۱۴۱۰هـ، قم، نشر مدینه العلم، چاپ بیست و هشت
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ۱۴۰۴هـ، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم